

قیام عاشورا مانع حذف مکتب اصیل اسلام شد

یک استاد حوزه و دانشگاه گفت: عاشورا، باعث توقف حرکت دشمن برای حذف کامل مکتب اصیل اسلام شد. اگر عاشورا اتفاق نمی افتاد ما الان از مکتب اصیل هیچ گونه رد پایی نداشتیم.



یک استاد حوزه و دانشگاه گفت: عاشورا، باعث توقف حرکت دشمن برای حذف کامل مکتب اصیل اسلام شد. اگر عاشورا اتفاق نمی افتاد ما الان از مکتب اصیل هیچ گونه رد پایی نداشتیم.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: بار دیگر محرم فرا رسید و دلهای احرار و آزادگان جهان به سوی حسین بن علی(ع) متمایل و چشمانشان به واقعه عاشورا دوخته شد. واقعه‌ای که بیش از ۱۳ قرن از وقوع آن می‌گذرد، اما هنوز هر سال در سالگشت وقوع آن، نه تنها مسلمانان و شیعیان، بلکه تمامی آزادگان را به سوی خویش جلب می‌کند، اما به راستی چرا پس از ۱۳ قرن، همچنان محرم با یاد حسین بن علی(ع) گره خورده و هنوز عاشورا از صفحه تاریخ کنار نرفته است؟

چرا هر ساله در سالروز قیام حسینی، مسلمانان گرد هم می‌آیند و در عزای حسین بن علی(ع) و یارانش مغموم می‌شوند و چرا این واقعه تاریخی همچون صدها و هزاران رویداد تاریخی دیگر، به دست فراموشی سپرده نشده است؟ اینها همه سؤلهایی است که در سر آغاز تأمل در قیام عاشورا به ذهن خطور می‌کند.

در گفتگو با حجت الاسلام محسن ادیب بهروز، مدیر گروه تاریخ اسلام حوزه های علمیه خواهران کشور و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران به بررسی تأثیرات قیام عاشورا بر تاریخ پرداختیم که اکنون متن آن پیش روی شماست؛

*شهادت امام حسین(ع) و فرزندان و یارانش را با توجه به آیه «فَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ» چگونه تأویل و تفسیر می کنید؟

این آیه که جزو سوره صافات هست در بین آیاتی قرار گرفته که از موضوع بسیار مهم که مربوط به وجود پربرکت حضرت ابراهیم(ع) و حضرت اسماعیل(ع) است که در ابتدای آیه آمده «فَبَشِّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ» تا می رسد به آیه ای که مورد اشاره قرار گرفته است. در این آیات، بحث ذبح حضرت اسماعیل(ع) مطرح هست که در رؤیا (با توجه به این که تمامی رویاهای پیامبران صلوات الله علیهم صادق است از به کارگیری قید صادق پرهیز شد) به وجود مقدس حضرت ابراهیم(ع) الهام می شود که حضرت اسماعیل(ع) را ذبح کند.

آنگاه که خداوند متعال حضرت ابراهیم(ع) را دیدند که کاملاً در اجرای دستور الهی مصمم هستند، ایشان را از انجام قربانی فرزند خویش منع نمودند و برای شان جایگزین فرستادند. جایگزینی که فرستاده شده در همین آیه ای که مطرح کردید آمده است «فَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ»، در واقع آیه در ابتدا می خواهد این نکته را برساند که خداوند متعال جایگزینی برای حضرت ابراهیم(ع) فرستاد که بسیار مورد توجه قرار گرفته است تا جایگزین ذبح حضرت اسماعیل(ع) قرار بگیرد، منتها برای اینکه به معنای صریح و همسو با قرآن دست پیدا کنیم ناچار می شویم به کمک کلام منتسب به معصوم به رفع ابهام از آیه دست پیدا می کنیم.

وقتی به روایات مراجعه می کنیم کلامی از وجود مبارک امام رضا(ع) نقل شده است که همین ماجرا را در آیه مطرح می کند. حضرت فرمودند: خداوند متعال حضرت ابراهیم(ع) را بعد از این ماجرا مخاطب قرار داد. از حضرت ابراهیم(ع) پرسیدند: چه کسی در میان مخلوقات محبوب ترین نزد شماست؟ حضرت پاسخ دادند: محبوبترین مخلوقات عالم در نزد من حبیب شما محمد(ص) است. بعد سؤال شد آیا او برای شما عزیزتر است یا خودتان؟ حضرت فرمودند: ایشان از خود من محبوب تر است، یعنی وجود مقدس خاتم الانبیاء(ص) از من عزیزتر است. سؤال شد: فرزند ایشان محبوب تر است یا فرزند خودت؟ حضرت جواب دادند که فرزند ایشان از فرزند من محبوب تر است.

اینجا بود که خداوند متعال فرمودند: فرزند پیامبر خاتم(ص) براساس ظلم به وسیله دشمنان دین خدا کشته می شود و به شهادت می‌رسد. از حضرت ابراهیم(ع) سؤال شد وقتی این حادثه را بشنوید این حادثه شما را بیشتر متأثر می کند یا قربانی کردن فرزندت با دست خودت به خاطر اطاعت من؟ حضرت ابراهیم(ع) پاسخ دادند: آنچه مرا خیلی مورد تأثر قرار می دهد کشتن فرزند خاتم الانبیاء(ص) به وسیله دشمنان است.

اینجا بود که خداوند به حضرت ابراهیم(ع) فرمودند: گروهی فرزند پیامبر خاتم(ص) را به شهادت می رسانند و براساس ظلم و

دشمنی این کار را انجام می دهند و اینها مستحق عذاب می شوند. پس وقتی که روایات همسو را می بینیم شأنی که برای این آیه مطرح شده اشاره به ماجرای شهادت امام حسین(ع) دارد.

شاید بعضی این برداشت را دارند که خداوند متعال در پیامش به حضرت ابراهیم(ع) می فرماید که امام حسین(ع) فرزندشان را در راه خدا هم فدا کردند یعنی عزیزترین فرد که فرزندشان بود را در راه خدا فدا کردند غیر از خودشان که در راه خدا فدا شدند، فرزندان و اصحابشان هم فدا شدند. در واقع ارتباط این آیه با ماجرای شهادت امام حسین(ع) این گونه هست که ما در نظام هستی، انسانی داریم که خود را فدای ذات مقدس باری تعالی می کند. به معنای واقعی و علاوه بر فدا کردن خود، فرزندان و اصحاب خودش را هم فدای ذات مقدس باری تعالی می کند.

قربانی اصلی در نظام هستی طبق مستندات وجود پربرکت امام حسین(ع) می باشد که براساس قرب به خدا صورت می گیرد تمام اقداماتی که امام معصوم انجام می دهند نه برای بهشت و یا مراحل مربوط به بعد از بهشت می باشد بلکه همه اینها به خاطر قرب به خداوند متعال است

به تعبیر دیگر می خواهم بگویم قربانی اصلی در نظام هستی طبق مستندات وجود پربرکت امام حسین(ع) می باشد که براساس قرب به خدا صورت می گیرد. نکته بسیار مهمی است که همه ما به آن توجه داریم که تمام اقداماتی که امام معصوم انجام می دهند نه برای بهشت و یا مراحل مربوط به بعد از بهشت می باشد بلکه همه اینها به خاطر قرب به خداوند متعال هست، لذا اگر خداوند هر امامی را بارها زنده کند همان حالتها را بلکه فراتر و کاملتر نسبت به خداوند متعال پیدا می کنند.

*در روایات اسلامی شهادت امام حسین(ع) چگونه پیش بینی شد؟ پیامبر(ص)، حضرت امیر(ع) و حضرت فاطمه(س) و ... در این باره چه صحبت هایی کرده بودند؟

پاسخ به این سؤال ممکن است شبهه ای را در ذهن ها ایجاد کند و آن این است که پس، امام معصوم براساس علم خود و پیش بینی هایی که توسط پیامبر(ص) و دیگران شده چگونه در راهی که می داند پایانش چیست قدم برمی دارد؟ این شبهه ای است که بارها مطرح شده است که اگر لازم بود به آن می پردازیم.

در کلام منتسب به پیامبر(ص) در مورد شهادت امام حسین(ع) بلکه شهادت امام علی(ع) و سایر امامان معصوم (ع) فرمایشاتی وجود دارد. روایاتی در مورد شهادت امام حسین(ع) از حضرت فاطمه زهرا(س) هم داریم اما آنچه که من می خواهم در این بحث به عنوان دو مستند مطرح کنم یکی اطلاع رسانی امام حسن(ع) از این ماجرا و یکی هم اطلاع رسانی خود امام حسین(ع) است.

امام حسین(ع) از شهادت و حتی چگونگی شهادت خودشان در یک کلام منتسب اطلاع رسانی می کنند. در ارتباط با اطلاع رسانی وجود مبارک امام حسن(ع) گزارشی از کتاب امالی شیخ صدوق صفحه ۱۰۱ داریم.

روایتی از وجود مبارک امام صادق(ع) هست که می فرماید: روزی امام حسین(ع) خدمت برادر بزرگترشان رفتند وقتی که وارد شدند دیدند امام حسن(ع) در حال گریستن هستند. پرسیدند چرا گریه می کنید؟ فرمودند سم و زهری به من داده شده و در آینده با سم به شهادت می رسم. خطاب به امام حسین(ع) فرمودند: ای ابا عبدالله(ع) روزی حدود سی هزار نفر از امت جد ما که خود را مسلمان می دانند با شما مبارزه و هتک حرمت می کنند. خاندان و اطفال شما را به اسارت می گیرند و شما را هم به شهادت می رسانند.

اما مهمتر از این روایت اطلاع رسانی امام حسین(ع) هست. طبری (مورخ شیعی) در کتاب دلایل الامامه ص ۱۸۳ فردی بنام ابوالصالح تمار نقل می کند که من از حذیفه شنیدم که می گفت: من روزی از حسین بن علی این جمله را شنیدم که فرمود: به خدا قسم برای کشتن من طغیانگران و ظالمان بنی امیه جمع می شوند و رهبری آنها را فردی بنام عمر بن سعد در اختیار دارد. حذیفه می گوید: در زمان حیات پیامبر(ص) بود که این کلام را از زبان کودک خردسال شنیدم، برایم سؤال شد و از ایشان پرسیدم این خبر را پیامبر(ص) به شما داده حضرت فرمودند: نه!

ذکر این نکته مهم است که ما شیعیان معتقدیم امامان معصوم دارای علم لدنی هستند که از لحظه تولد با آنها هست یعنی خداوند متعال علم را به آنها منتقل می کند و این علم از آغاز تولد در وجود امام معصوم هست همان گونه که مقام امامت در وجود امام از لحظه تولد وجود دارد اما ظهور این مقام بستگی به شهادت امام قبلی است یعنی به تعبیر دیگر اگر وجود مقدس علی بن ابیطالب(ع) در ۱۲ سالگی به شهادت می رسیدند امام حسن(ع) در هر سنی که بودند امامت ایشان آشکاری گردد چون مقام امامت و علم امام و عصمت امام از لحظه تولد در وجود امام وجود دارد اما بروز و ظهورش در زمان نیاز اعلام می

شود، اشتباه بزرگی است که بعضی‌ها فکر می‌کنند که علم دایرمدار سن امام است، اگر این گونه باشد آن بحثها پیش می‌آید که علم و عصمت و سایر ویژگیهای امام براساس عوامل طبیعی صورت می‌گیرد که ما معتقدیم خیر.

برای حذیفه سؤال است که امام حسین(ع) علی‌رغم اینکه کودک خردسالی است این گونه اطلاع رسانی می‌کنند و می‌پرسد که رسول‌الله(ص) اینها را گفته. ایشان می‌فرمایند: خیر. حذیفه می‌گوید خدمت پیامبر(ص) رسیدم و موضوع را به پیامبر(ص) اطلاع دادم اما پیامبر(ص) پاسخی عجیبی فرمود: علم من همان علم امام حسین(ع) و علم او همان علم من است. امام معصوم(ع)، علوم پیامبر(ص) را در حد خودشان دارند و پیامبر(ص) با این پاسخ می‌خواهد تأیید کند که اطلاع رسانی امام حسین(ع) راجع به ماجرای شهادت درست است.

*چرا جامعه اسلامی پنجاه سال بعد از رحلت پیامبر به چنین وضعی رسید که نوه پیامبر را این گونه به شهادت رساندند؟

پیامبر(ص) دارای دشمنان ظاهری و باطنی بودند. دشمنان ظاهری مثل یهود که به طور رسمی دشمنی خود را اعلام کرده بودند و اسلام را هم قبول نکردند و به همین جهت در دوره ای هم بنا شد که جزیه بپردازند. دشمنان باطنی آنهایی بودند که مسلمان شده بودند اما دشمنی خودشان را کتمان کرده بودند مثل ابوسفیان که البته وجود مقدس پیامبر(ص) از این موضوع باخبر بود. دشمنان باطنی خصوصاً ابوسفیان در زمان حیات پیامبر(ص) با تأسیس حزبی برای آینده برنامه ریزی کرده بودند پیامبر(ص) هم از این برنامه ها بااطلاع بودند، این افراد اقدامات خود را گام به گام پیش می‌بردند.

پیامبر(ص) هم به صورت طبیعی و عادی برای دفع این برنامه ها تمام اقدامات خنثی‌گر را انجام دادند. وقتی پیامبر(ص) به شهادت رسیدند دشمن برنامه خود را به اجرا گذاشت. در واقع اجرای برنامه دشمن توقف مسیری است که پیامبر(ص) آغاز کرده و بناست که این مسیر با طی مراحل کمالی به سرانجامی برسد. این مسیر به یکباره متوقف شد. پیامبر در طول ۱۰ سال در مدینه مقدمات به وجود آمدن امت ایده‌آل را فراهم کرد. تمام اقدامات را به اجرا گذاشت و اقدامات پیامبر(ص) هم در زمان حیات مبارکش نتیجه داد.

اگر کسی بخواهد بفهمد اقدامات پیامبر(ص) به چه نتیجه ای رسید کافی است جامعه مدینه و مکه را پیش از ورود پیامبر(ص) و حضور پیامبر(ص) به عنوان پیامبر الهی از نظر اخلاقی، تربیتی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و حتی جایگاه جامعه در درون جهان آن روز ببیند و این دو را با هم مقایسه کند. اگر این دو را با هم مقایسه کند می‌داند پیامبر(ص) در اجرای اقدامات به تمام موفقیتهای رسیدند اما این جامعه باید راه خودش را ادامه بدهد و پیامبر(ص) هم پیش‌گیری‌ها را داشتند.

این ادامه راه به وسیله برنامه سقیفه متوقف می‌شود. وقتی که متوقف شد طبیعی است ابوسفیان که سالها قبل برنامه ریزی کرده بود به کمک یهود به صورت پازل کامل همه جوانب را در نظر گرفتند و حرکت می‌کنند.

شما به یکباره می‌بینید که در زمان خلیفه اول فردی بنام معاویه بن ابوسفیان به عنوان استاندار یا فرماندار یک ناحیه مصونیت کامل سیاسی دارد هر استاندار و فرمانداری باید مورد بازرسی قرار گیرد به جز معاویه. برنامه ای که پدر و حزب طراحی کرده با تمام جزئیات به سامان می‌رسد یعنی معاویه حدود پنجاه سال حکومت می‌کند؛ بیست و پنج سال در قالب رهبری رسمی و بیست و پنج سال در قالب رهبری حاشیه‌ای معاویه در این مدت جامعه را به نقطه ای می‌رساند که آن جامعه مسلمان می‌آید فرزند پیامبر(ص) را که یقین دارد و بارها پیامبر(ص) او را معرفی کرده در صحرای کربلا را با سبکی یهود وار به شهادت می‌رساند

عوامل متعددی باعث شهادت امام حسین(ع) می‌شود؛ معاویه حرکت چند جانبه ای را شروع می‌کند تا جامعه را به این نقطه می‌رساند. اولین اقدامی که معاویه انجام می‌دهد از ابتدای دوران پنجاه ساله حکومت خود تا پایان این هست که ملاک‌ها و شاخص‌های جامعه را تغییر می‌دهد

عوامل متعددی باعث می‌شود جامعه این اقدام را انجام می‌دهد؛ معاویه حرکت چند جانبه ای را شروع می‌کند تا جامعه را به این نقطه می‌رساند. اولین اقدامی که معاویه انجام می‌دهد از ابتدای دوران پنجاه ساله حکومت خود تا پایان این هست که ملاک‌ها و شاخص‌های جامعه را تغییر می‌دهد. شاخص برای تشخیص حق تغییر می‌کند کنار این برای اینکه وقتی افراد شاخص‌هایشان تغییر می‌کند دنبال الگوها می‌روند برای این مشکل راه حلی که معاویه به کار می‌گیرد که در مستندات و منابع تاریخی آمده که اصطلاحاً بدیل‌سازی نامیده می‌شود. معاویه دقیقاً بدیل‌سازی می‌کند؛ بدیل‌سازی برای علی بن ابیطالب بدیل‌سازی برای درست‌زندی کردن. بدیل‌سازی برای تفسیر قرآن.

برای همه ارزش‌هایی که پیامبر(ص) به صورت رفتاری و کلامی در زمان خودشان مطرح کرده بودند معاویه با جعل سخن و

انتساب به پیامبر(ص) برای آنها بدیل سازی می کند. از طرف دیگر شاخصها را در جامعه تغییر می دهد. عامل سوم این بود که رفاه را برای مردم مدینه و نواحی موضوع مهم و مورد توجه قرار داد، البته این موضوع از زمان خلفا آغاز شد اما در زمان معاویه به اوج رسید.

در شب عاشورا حضرت دستور داده بودند که در پشت خیمه ها آتش روشن کنند تا دشمن از پشت سر حمله نکند و امنیت خیمه ها تأمین شود. این مثلث سه ضلعی موجب می شود که شب عاشورا شخصی می آید به وجود مقدس امام حسین(ع) جسارت می کند و می گوید حسین! تو آتش جهنم را برای خود زودتر روشن کردی. یعنی بیشتر سپاه با این عقیده روبروی حضرت قرار گرفتند چون فکر می کردند فردی را می خواهد بکشند که او قطعاً به جهنم می رود و خود آنها به بهشت می روند.

بعد از وفات پیامبر(ص) ملاکها تغییر کرد، حتی آن قدر معاویه شرایط، اوضاع و ارزشها را تغییر داد که حتی وقتی امام حسین(ع) می خواستند از مدینه خارج شوند عده ای از بنی هاشم با ایشان نرفتند. چرا محمد حنفیه با ایشان نیامد؟! چرا همسر حضرت زینب(س) جناب عبدالله نیامد؟! چرا ابن عباس ها نیامدند؟! چرا جابر ها نیامدند؟! وقتی بررسی کنیم می بینیم برنامه همه جانبه معاویه حتی روی خواص هم تأثیر گذاشت.

یعنی برای خواص تردید ایجاد کرد که اساساً وجود مبارک امام حسین(ع) مورد تأیید خدا و پیامبر(ص) نیست. این را در گفتگوهایی که خواص با امام حسین(ع) می بینیم علاوه بر اینکه کار امام حسین(ع) مورد تأیید نیست و فکر می کنند که حضرت به دنبال اهداف دنیایی است. وقتی خواص به این نتیجه و باور رسیده باشند از بقیه مردم چه انتظاری می توان داشت.

***شهادت امام حسین چه تأثیراتی را بر تاریخ گذاشت؟**

حزب امویان با برنامه بلندمدت در زمان پیامبر(ص) کار خود را آغاز کرد. برنامه ای که معاویه طراحی کرد ادامه حکومت ابدی امویان بود. معاویه با حزبی که ابوسفیان تأسیس می کند برنامه ای را طراحی کرد که حزب امویان برای هزار سال حکومت آرام و بدون دغدغه و بدون هیچ گونه دردسری داشته باشند اما شهادت امام و یاران امام اولین تأثیری که ایجاد می کند توقف کامل این برنامه است، یعنی اولین تأثیری که بر تاریخ گذاشت این بود که این مسیر را متوقف و دگرگون کرد. یزید با اقدامی که انجام داد در واقع به تمام برنامه های پدر و جد خود آسیب زد امام با شهادت خود این حرکت را متوقف می کند لذا امویان تا ۱۲۵ هجری حکومت می کنند و دوران بعد از معاویه ویژگی های دوران معاویه و قبل از آن را به هیچ وجه ندارد چون اگر داشت امویان می توانستند حکومت خودشان را ادامه بدهند و عباسیان به سر کار نمی آمدند.

اینکه امویان دیگر نمی توانستند حکومت کنند و عباسیان با طرح جدید(باشعار و ظاهر فریبنده و منافقانه) می آید، به خاطر اینکه شهادت امام حسین(ع) این مسیر را متوقف می کند یعنی مسیری که دشمن برای حذف کامل مکتب پیامبر(ص) آغاز کرده بود تا بتواند مکتب جایگزین را به صورت کامل اجرایی کند از بین رفت. و هم چنان مکتب اصلی درکنار مکتب بدلی ابوسفیانی یهودی باقی می ماند

اگر عاشورا اتفاق نمی افتاد ما الان از مکتب اصیل هیچ گونه رد پایی نداشتیم. یعنی برنامه ای که معاویه اجرا کرده بود به وسیله این حزب حذف کامل همه علائم و نشانه های مکتب اصیل بود. امام حسین(ع) این موضوع را به همه فهماند. امام حسین(ع) این موضوع را به همه فهماند

اکنون در جهان اسلام دو مکتب داریم؛ مکتب اصیل پیامبر(ص) و مکتب بدلی. اگر عاشورا اتفاق نمی افتاد ما الان از مکتب اصیل هیچ گونه رد پایی نداشتیم. یعنی برنامه ای که معاویه اجرا کرده بود به وسیله این حزب حذف کامل همه علائم و نشانه های مکتب اصیل بود. امام حسین(ع) این موضوع را به همه فهماند. راهی را که وجود مقدس علی بن ابیطالب(ع) آغاز کرده بودند و امام حسن(ع) ادامه داده بودند امام حسین(ع) با شهادت این راه قوت گرفت. بعد از شهادت امام حسین(ع) تعداد شیعیان افزایش پیدا می کند. شیعیان کیفی افزایش پیدا می کنند و این ثمره عاشورا است.

عاشورا، باعث توقف حرکت دشمن برای حذف کامل مکتب اصیل اسلام شد. به همین جهت ثمره عاشورا در زمان امام جعفر صادق(ع) و محمد باقر(ع) آشکار می شود، ثمره عاشورا است که امام صادق(ع) در وسعت فرهنگی آثار متعددی را برای این مکتب اصیل ایجاد می کند، چون هرچه آثار متعدد شود حذف مکتب اصیل دشوارتر می شود. به همین جهت عباسیان با تمام تدبیرهای مکارانه و منافقانه خود نتوانستند مکتب اصیل را از بین ببرند. هرچه تلاش کردند نتوانستند زمان و جامعه را به دوره معاویه برگردانند.

کسی که عاشورا را مرور کند متوجه می شود عاشورا ایجاد الگوهایی می کند که هزاران سال بعد این الگوها تأثیر خود را ایجاد می کنند. الگویی که امام حسین(ع) ایجاد می کند این است که رو در روی دشمن قرار می گیرد و با همه وجود برای قرب به

خدا مبارزه می کند. جنبش ها و نهضت هایی بعد از عاشورا به وجود می آید و هنوز هم ادامه دارد. اگر جنبش های حق خواه و حق جو در دنیا را مستندیابی کنیم از جهت الگو و انگیزه به عاشورا بر می گردد.

الگویی که امام حسین(ع) ایجاد می کند این است که رو در روی دشمن قرار می گیرد و با همه وجود برای قرب به خدا مبارزه می کند. جنبش ها و نهضت هایی بعد از عاشورا به وجود می آید و هنوز هم ادامه دارد

***تأثیرات فرهنگی و اجتماعی عاشورا چه بود؟**

خواص و یاران امام حسن(ع) به ۱۰ نفر هم نمی رسید. مهمترین خواص، فریب معاویه را خوردند. امام حسین(ع) در دوران حیات معاویه خواص را تربیت و آماده می کنند یعنی این هفتاد و دو تن تربیت می شوند. وقتی که هفتاد و دو نفر به شهادت می رسند فرهنگ مردم و ملاک های مردم تغییر می کند یعنی مردم به صورت یک دست با مکتب بدلی همخوانی ندارند بلکه در زمان حاکمان ظالم و منافق عباسیان می بینیم که علی رغم گستردگی قدرت آنان و برنامه هایشان دو فرهنگ در جامعه دیده می شود.

فرهنگ اصیل الهی و اسلامی به دلیل عاشورا ردپاهایش باقی می ماند. ما معتقدیم اگر عاشورا ایجاد نمی شد، آثار فرهنگی که وجود مقدس خاتم الانبیاء(ص) در جامعه ایجاد کرده بودند و امام علی(ع) و امام حسن(ع) ادامه دادند کاملاً محقق نمی شد اما عاشورا این آثار را تثبیت کردند.